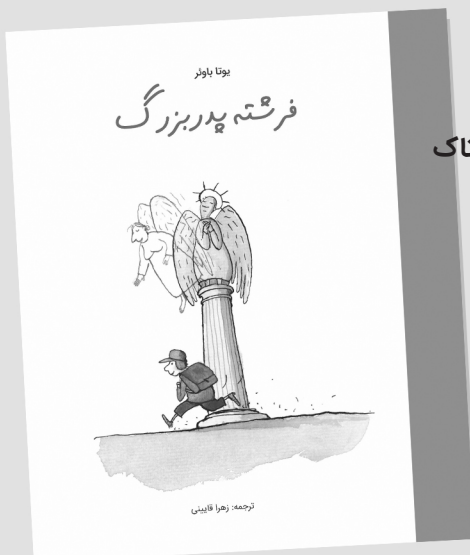


راهنمای خواندن و فعالیت‌های کتاب فرشته پدر بزرگ

تهیه و تدوین: انتشارات کارلسن - آلمان

ترجمه و ویرایش به فارسی: گروه «با من بخوان»

یک مدل کوچک برای کودکان دبستانی



کتاب «فرشته پدر بزرگ»

نویسنده و تصویرگر: یوتا باوئر

مترجم: زهرا قایینی

ناشر: موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان / کتاب‌های تاک

گروه سنی: ۷-۱۲ سال

برای استفاده از این می‌توانید:

این متن را برای خواندن امتحان کنید و ببیند آیا کتاب «فرشته پدر بزرگ» برای کلاس مناسب است یا نه؟

به نظرتان این کتاب می‌تواند به جای درس ادبیات یا هنر قرار گیرد؟

کلیدواژه‌ها: مادر و پدر بزرگ، نسل، مرگ

اجرای این دستنامه به دو چیز نیاز دارد:

- دست‌کم دو ساعت درسی
- برای دانش‌آموزان: دسترسی به اینترنت یا کتابخانه برای جست‌وجو

راهنمای پیش‌برد کار

۱. آغاز: در کلاس درباره‌ی مادر بزرگ و پدر بزرگ گفت‌وگو کنید.
۲. کتاب در کلاس را بلندخوانی کنید و یا هر کس برای خودش بخواند (کاربرگ ۱)
۳. کاربرگ‌های مناسب را برگزینید و به صورت فردی (کاربرگ ۲) یا گروهی (کاربرگ ۳ و ۴) روی آن‌ها کار کنید.
۴. پایان: در کلاس گفت‌وگو کنید.

متن کامل
مدل آموزشی
«فرشته پدر بزرگ»
را می‌توانید از پرتال
کارلسن پیاده کنید

www.carlsen.de/lehrer

فرشته پدربزرگ - متن (الف)

هیچ کس نمی‌تواند بلایی
سر من بیاورد!

پیش از، این متن را بخوان یا بگذار برای ات
بخوانند.

پدربزرگ خیلی دوست داشت چیزی تعریف کند. هر زمان که به دیدارش
می‌رفتم برایم داستانی می‌گفت: «..پسرکم، هیچ کس نمی‌توانست بلایی سر
من بیاورد...»

«آن زمان‌ها هر روز صبح از میدان بزرگ می‌گذشتم و دوان دوان به سوی
مدرسه می‌رفتم. توی میدان مجسمه‌ی بزرگ فرشته‌ای بود که هیچ‌گاه
نگاهش نمی‌کردم. همیشه عجله داشتم و کیف مدرسه‌ام هم سنگین بود.
یک بار نزدیک بود اتوبوسی به
من بزند... گرچه خیابان هم خیلی
شلوغ نبود. مدرسه دور و راهش
پر از چاله بود... مجبور بودم از
جاهای پرت و خلوت هم رد شوم.



اما من نمی‌ترسیدم و از همه دلیرتر بودم... از
بلندترین درخت‌ها بالا می‌رفتم... و توی گودترین
دریاچه‌ها می‌پریدم. سگ‌های بزرگ از ترس
من به خود می‌لرزیدند. البته من دشمن هم
داشتم و با آن‌ها کتک‌کاری می‌کردم و گاهی هم
می‌خوردم... ولی بیشتر وقت‌ها زورم به آن‌ها
می‌چربید. هرگز بزدل نبودم. آن زمان نمی‌دانستم
که وضع چه قدر می‌توانست خطرناک باشد.



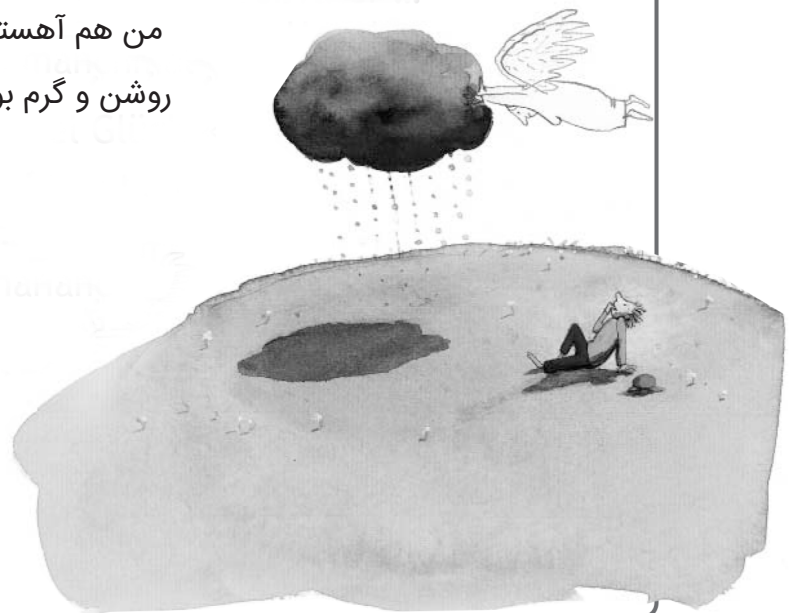
فرشته پدربزرگ - متن (ب)

ولی دوستم یوسف می‌دانست و خیلی هم می‌ترسید. روزی ناگهان ناپدید شد و دیگر او را ندیدم. خیلی غصه خوردم.

کم‌کم بزرگ شدم... اما زندگی ساده‌تر نشد. جنگ بود... گرسنگی... همه‌جور کاری می‌کردم... گاهی هم کارهایی که بلد نبودم. بعد عاشق شدم... پدر شدم... خانه ساختم... ماشین خریدم... پدربزرگ شدم... خیلی خوش می‌گذشت...

گاهی هم شگفت‌آور بود. خیلی خوش شانس بودم.»
پدر بزرگ خسته شد و چشمان‌اش را بست.

من هم آهسته بیرون رفتم. هوای بیرون روشن و گرم بود. چه روز زیبایی.



نظرات خود را درباره‌ی کتاب با کلاس در میان بگذار.
سپس کتاب را با تصویرهای‌اش بخوان. چه چیزهایی امروز تغییر کرده است؟



چند داستان در یک کتاب (الف)

۱. در این کتاب سه داستان وجود دارد. جمله‌های زیر را کامل کن:

- یک داستان درباره‌ی این که چگونه یک با پدربزرگ‌اش دیدار می‌کند.
- یک داستان درباره‌ی این که شاهد چه چیزی است.
- یک داستان درباره‌ی این که چگونه همیشه به پدربزرگ کمک می‌کند.

۲. سه شخصیت اصلی این داستان را در این جا نقاشی کن:

فرشته:

پسرک:

پدربزرگ:

چند داستان در یک کتاب (ب)



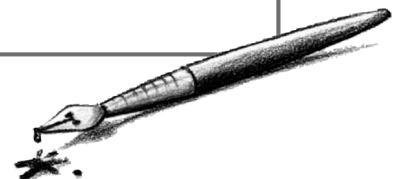
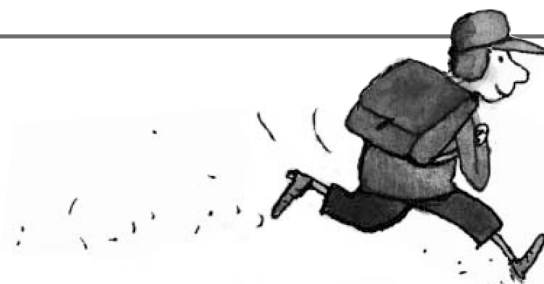
۳. کدام از این سه شخصیت اصلی در اول و آخر داستان حکایت می‌کنند؟
علامت بزن .

پسر فرشته پدر بزرگ



۴. شخصیت اصلی داستان، که علامت زدی، در آغاز کتاب چه چیزی تعریف می‌کند؟

۵. شخصیت اصلی داستان، که علامت زدی، در پایان کتاب چه چیزی تعریف می‌کند؟



نویسنده و تصویرگر کتاب (الف)

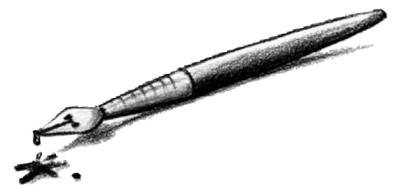
زمانی که درباره‌ی تولد و رویدادهای مهم زندگی یک فرد اطلاعاتی را گردآوری می‌کنیم و می‌نویسیم، یک زندگی‌نامه نوشته‌ایم.

۱. زندگی‌نامه‌ی نویسنده و تصویرگر کتاب، خانم یوتا باوئر را بخوانید:



یوتا باوئر در سال ۱۹۵۵ در نزدیکی شهر هامبورگ دنیا آمد. بعد از مدرسه، زمانی که در انتظار ورود به دانشگاه بود، به عنوان بهیار و همچنین پرستار کودک کار می‌کرد. از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ در دانشگاه هامبورگ در رشته‌ی تصویرگری تحصیل کرد. در ۱۹۸۱ اولین کتاب تصویرگری‌اش چاپ شد.

در سال ۱۹۸۶ پسرش یاسپر دنیا آمد. پس از آن او در آتلیه‌ی شخصی‌اش برای انتشاراتی‌های پرشمار و همچنین مجله‌ها و کتاب‌های نویسندگان مشهور تصویرگری می‌کرد. او نه تنها برای کتاب‌های تصویری بلکه مجله‌های کارتونی و از سال ۱۹۹۱ فیلم‌های کارتونی نیز نقاشی می‌کند. اثرهای او اغلب به نمایش گذاشته می‌شوند و برنده‌ی جایزه‌های بسیاری شده است، از جمله جایزه ویژه‌ی ادبیات جوانان آلمان که در سال ۲۰۰۹ به مجموعه اثرهای او تعلق گرفت. همچنین داستان «فرشته‌ی پدربزرگ» در سال ۲۰۰۲ نامزد جایزه ادبیات جوانان شد و جایزه کتاب کودکان و جوانان کاتولیک را دریافت کرد.



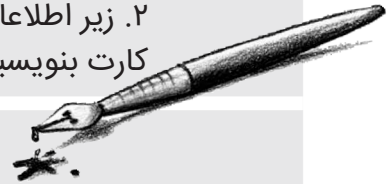


کاربرگ ۳

نویسنده و طراح کتاب (ب)

۲. زیر اطلاعاتی که از نظرتان مهماند خط بکشید و آن‌ها را بر روی یک کارت بنویسید.

۳. در یک واژه‌نامه این واژه‌ها را جست‌وجو کنید: نویسنده، تصویرگر.



۴. در یک کار گروهی پوستری برای یوتا باوئر درست کنید. برای این پوستر تصویری از نویسنده بکشید یا از اینترنت پیدا کنید.

۵. پوستر را با تصویرهای دیگری از یوتا باوئر کامل کنید.

۶. در پایان فهرستی از کتاب‌های یوتا باوئر را به آن بیافزایید.

۷. نمایشگاهی برپا کنید و پوسترهایی که درست کرده‌اید را به نمایش بگذارید.



تصویرها

یوتا باوئر سه سرمشق بزرگ داشت: خوان میرو، پل کله و پابلو پیکاسو.

۱. به سه گروه تقسیم شوید.
هر گروه یکی از این سه هنرمند نقاش را انتخاب و در مورد آن اطلاعات گردآوری کند.

- در کتابخانه مدرسه
- در کتابخانه شهر یا منطقه‌ی شهری
- در اینترنت برای نمونه در نشانی

www.frag-Finn.de یا www.blinde-Kuh.de



۲. نتیجه‌ی کارتان را همراه با تصویر در کلاس برای دیگران توضیح دهید.

۳. به نظر شما کدام یک از این سه هنرمند بیش از همه الهام‌بخش یوتا باوئر در کشیدن تصویرهای «فرشته‌ی پدربزرگ» بوده است؟ دلیل‌تان را توضیح بدهید!



۴. یوتا باوئر با آبرنگ و جوهر نقاشی می‌کند. او نخست تصویرها را با آبرنگ نقش می‌زند. سپس خط‌های چهره‌ی افراد یا پیراخط‌شی‌ها را با جوهر می‌کشد.

در کلاس درس هنر، این فن را تمرین کنید و تصویری از کتاب را به این شیوه بکشید.



نکته‌هایی درباره‌ی کتاب

پسرکی به دیدار پدربزرگ‌اش در بیمارستان می‌رود (در پایان داستان، روشن می‌شود که آن‌جا یک بیمارستان عادی نیست و یک بدرقه‌سرا^۱ است). پدربزرگ شروع به تعریف می‌کند. از زندگی خود و از کودکی‌اش می‌گوید، کمی هم لاف می‌زند که همیشه از شجاع‌ترین‌ها بوده است. از روزگار دشوار می‌گوید و این که چگونه دوست‌اش «یوسف» ناپدید شد. جنگ، گرسنگی و روزگار سختی بود. او برای گذران زندگی‌اش هر کاری می‌کرد. سپس عاشق شد، پدر شد و بعد پدربزرگ. زندگی زیبایی بود. پدربزرگ خسته می‌شود و به خواب می‌رود. پسرک بیمارستان را ترک می‌کند و پا به روز روشن زیبا در بیرون از ساختمان می‌گذارد، از میدانی می‌گذرد و با پا ضربه‌ای به سنگ کوچکی می‌زند.

به موازات این دو داستان، یعنی داستان پسرک که به دیدار پدربزرگ‌اش رفته و داستانی که پدربزرگ‌اش بازگو می‌کند، تصویرها داستان دیگری را تعریف می‌کنند.

یک خواننده‌ی بزرگسال می‌تواند در این تصویرها نکته‌های بسیاری ببیند. از لباس پدربزرگ در کودکی، از کوله‌پشتی مدرسه‌اش، رفت‌وآمد اندک خودروها، گازها و سرانجام لباس‌های یک شکل نظامی و ستاره‌ی داوود بر پیراهن دوست‌اش، می‌توان فهمید که پدربزرگ چه دورانی زندگی می‌کرده است. به این ترتیب تصویرهای داستان زندگی خصوصی پدربزرگ، قدم به قدم یک زندگی نامه را که برای پدربزرگ‌های امروزی [در آلمان] نمونه‌وار است، برای خواننده آشکار می‌کند. از کودکی در زمان پیش از جنگ تا جوانی در دوران جنگ، بازسازی پس از جنگ و ارزش‌های سنتی حاکم بر دهه‌ی پنجاه میلادی، یعنی داشتن همسر، فرزند پسر، خانه و خودرو می‌گوید.

یوتا باوئر موفق شده است که در چند مرحله‌ی نمونه‌وار زندگی یک نسل را به تصویر بکشد، بدون آن‌که در این میان داستان شخصی پدربزرگ را به یک کلیشه فروبکاهد. چراکه همیشه فرشته‌ای، یعنی فرشته‌ی پدربزرگ حضور دارد و روایتی نو از داستان را باز می‌گوید.

در تصویرهای بکر، مبتکرانه، خنده‌دار و متاثرکننده می‌توان این فرشته را که شبیه یک مادر بزرگ است در حال انجام دشوارترین کارها دید. او سگ‌ها را رام می‌کند، گازها را دور می‌کند، به ژرفای دریاچه‌ها شیرجه می‌رود و حواس نازی‌های خطرناک را پرت می‌کند. در زمان جنگ در کنار پدربزرگ می‌نشیند، درمانده و ناتوان و رنجور. سپس او دوباره با دستمال «زنان ویرانه‌ها»^۲ بر سر، دست به کار می‌شود. بعدتر او پدربزرگ را از سقوط در دره نجات می‌دهد و سرانجام هنگامی که پدربزرگ و نوه‌اش در دریا مشغول شنا کردن بودند، جلوی کوسه‌ها را می‌گیرد. در پایان پدربزرگ گفته بود: «من خیلی خوش اقبال بودم». ولی تصویرها نشان می‌دهند که او در واقع فرشته‌ی نجات بسیار پرکاری داشته است. در پایان دیگر نیازی به فرشته‌ی نجات نیست، چون پدربزرگ می‌میرد. فرشته بدرقه‌سرا را ترک می‌کند تا از آن لحظه به بعد مراقب نوه‌ی او باشد.

در این کتاب سه داستان روایت می‌شود که هر یک بستری مناسب برای گفت‌وگو تبادل نظر هستند. و در کنار هم یک کتاب تصویری برجسته را می‌سازند.

۱. در آلمان مرکزهایی با نام Hospiz وجود دارد که بیماران درمان‌ناپذیری که خانواده‌ای ندارند و یا نمی‌خواهند در خانه خود تنها باشند، روزهای آخر عمر خود را در آنجا به سر می‌برند. در این مراکزها که شبیه بیمارستان است، پرستاران از آنان مراقبت کرده و برنامه‌های فرهنگی، نظیر آوازخوانی، داستان‌خوانی و ... برای آنان ترتیب داده می‌شود تا با احساس خوبی روزهای پایانی عمر خویش را بگذرانند و در راه سفر جاودانی خود بدرقه زیبایی شوند.

۲. در آلمان پس از جنگ دوم جهانی، بسیاری از زنان که موهای خود را با دستمال‌سری بسته بودند، به پاک کردن شهر از اثرهای جنگ و ویرانی‌ها کمک می‌کردند. و به این دلیل به «زنان ویرانه‌ها» مشهور شده بودند.

شیوهی انجام فعالیت‌ها و گفت‌وگوها در پیوند با کتاب

این کتاب به عنوان یک اثر بین‌رشته‌ای، قابل استفاده در درس هنر و ادبیات است و می‌توان به کمک آن پیوندی میان یک کتاب تصویری و یک کتاب خاطرات ایجاد کرد. در پیوند با کتاب می‌توان از تصویرهایی که دانش‌آموزان در مدرسه و در خانه کشیده‌اند و متن‌هایی که نوشته‌اند، بهره برد. «تولید یک کتاب تصویری، چه به صورت کار تک نفره یا نتیجه‌ی کار یک کلاس، تجربه‌های بسیار گوناگونی را، که در آن‌ها رویکردهای هنری-تربیتی، ادبی-تربیتی و ارتباطات فرارونده با هم تلاقی می‌کنند، متمرکز می‌سازد».

در گام نخست، پس از ورود به داستان و توجه ویژه به ساختار روایی کتاب تصویری و پیوند متن و تصویر (زبان تصویرها)، به کمک فعالیت‌ها به این موضوع می‌پردازیم که یک داستان بیرونی به عنوان چارچوب و یک داستان درونی وجود دارد و هر کدام را می‌توان از زاویه‌ی دید متفاوتی روایت کرد.

می‌توان شیوه‌ی روایت داستان زندگی پدربزرگ را مورد بررسی قرار داد و در پیوند با آن به مفهوم‌هایی مانند توالی گاه‌شمارانه‌ی رخدادها، گذشت زمان و... پرداخت. در ادامه، داستان فرشته‌ی نجات در تصویرها بیش‌تر بررسی می‌شود. گفت‌وگو درباره‌ی این که آیا می‌توان فرشته‌ی نجات را استعاره‌ای برای وجود مثبت، باز و زندگی‌دوستانه‌ی پدربزرگ دید یا نه؟ این گفت‌وگو به تشخیص تسهیل‌گر واگذار می‌شود. (سه روایتگر و یک نویسنده - چه کسی و چگونه بازگو می‌کند؟).

تنها چندوجهی بودن داستان، لایه‌های گوناگون آن و آمیزش درخشان متن و تصویر نیست که دلیلی برای پرداختن به این کتاب است. مضمون داستان نیز می‌تواند الهام‌بخش فعالیت‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری در پیوند با کتاب باشد (سه داستان و یک رویداد تاریخی - چه چیزی حکایت می‌شود؟). از یک سو داستان پسرک جوان را داریم که به دیدار پدربزرگش در بیمارستان رفته است و به حرف‌های او گوش فرامی‌دهد. هنگامی او را ترک می‌کند که پدربزرگ خواب‌اش برده است. سپس او پا به روز گرم و زیبایی می‌گذارد، از زندگی لذت می‌برد و از فرط خشنودی با پا ضربه‌ای به سنگی می‌زند که به سر فرشته‌ی نجات، که بدرقه‌سرا را ترک کرده تا در پی پسرک برود، برخورد می‌کند. چرا؟ در این جا باید مجال اندیشیدن، توضیح دادن و معنی کردن این نکته را برای کودکان فراهم آورد. پذیرش پرسش‌های کودکان، پیش از هر چیز به معنی آرامش داشتن در آگاهی از این موضوع است که درک و دریافت‌های حسی کودکان بی‌واسطه است. پس باید به خودمان اجازه‌ی شگفت‌زده شدن دهیم، نه این که بی‌درنگ و با الگوهای تجربی آزموده شده، پرسش‌هایشان را طبقه‌بندی کنیم. درونمایه‌ی این داستان، بسیار بیش از متن کوتاه آن است. رابطه‌ی میان یک پدربزرگ و نوه‌اش در میان است. از یک سو عشق، بردباری و احترام، علاقه و کنجکاوی نوه و از سوی دیگر خواست قلبی پدربزرگ که در پایان زندگی‌اش، تجربه‌ها، دانسته‌ها و خوشبختی خود را توشه‌ی راه نوه‌اش کند. و او در این کار موفق می‌شود. این‌گونه می‌توان فرشته را استعاره‌ای از این موفقیت دانست.

نباید از نقش نویسنده، که هم‌زمان تصویرگر نیز هست و داستان را در همه‌ی لایه‌ها حکایت می‌کند، چشم پوشید. او با کتاب‌اش به بهترین شکل به یک رابطه‌ی کنجکاوانه، مهربانانه و پرثمر بین نسل‌ها یاری می‌رساند. به این نکته باید در فعالیت‌ها پرداخته شود. داستان فرشته، داستانی است که تصویرها حکایت می‌کنند.

این که داستانی به موازات روایت پدربزرگ جریان دارد و از آن فراتر می‌رود، موضوع دیگری برای فعالیت‌های مرتبط با کتاب است. تصویرگری خوب کنجکاوی بیننده را برمی‌انگیزد، از متن پیشی می‌گیرد، آن را ژرفا می‌بخشد، و حتی به ضدیت با آن می‌پردازد. البته در این‌جا داستان پدربزرگ را هم داریم که دلیلی برای گفت‌وگو ارائه می‌کند. گفت‌وگوهایی در مدرسه و در خانه، با مادرها و پدرها، مادر و پدربزرگ‌ها، و شاید هم با والدین مادر و پدربزرگ‌ها. این‌جا می‌توان با داستان زندگی یک نسل آشنا شد.

یکی از نقطه‌های قوت این کتاب اصالت این داستان است. در این کتاب هیچ چیزی از قلم نمی‌افتد، نه زمان نازی‌ها و جنگ، نه پی‌گرد یهودیان و فقر و نکبت. لباس‌های یک شکل نظامی را می‌توان دید، صلیب شکسته را، یوسف دوست پدربزرگ را با ستاره‌ی یهودیان بر لباس‌اش، آن‌گونه که در متن داستان آمده، ناپدید می‌شود، در پس زمینه می‌توان انسان‌هایی را دید که به اردوگاه‌های مرگ منتقل‌شان می‌کنند. جنگ با تمام خشونت‌اش در تصویری که به‌گونه‌ای نبوغ‌آمیز به یک حداقل فروکاسته شده، ترسیم شده است. در تصویر می‌توان دید که در کنار پدربزرگ انسانی تکه پاره می‌شود، نگاه وحشت‌زده‌ی پدربزرگ و فرشته‌ی نجاتی درمانده در کنارش، بیان‌گر همه چیز است.

تصمیم این که چنین موضوع‌هایی چقدر در فعالیت‌های در پیوند با کتاب جا داشته باشند، به عهده‌ی تسهیل‌گر است. چگونگی و گستردگی طرح هولوکاست، جنگ، گرسنگی و ... در مدرسه‌ی ابتدایی، حساس و بحث‌برانگیز است و پرداختن به آن از چارچوب این دست‌نامه فراتر می‌رود.

این که آیا موضوع «هولوکاست» مطرح شود و تا چه اندازه مطرح شود، به تسهیل‌گر بستگی دارد. بهتر است توضیح در این مورد تنها به عهده‌ی خانواده‌ها واگذار نشود، چرا که باورهای منتقل شده از خانواده، لزوماً با دانش فرهنگی عمومی تطبیق ندارند. اگر تسهیل‌گر بخواهد به این موضوع بپردازد، امکانات کمکی، جزوه و طرح‌های آموزشی بسیاری در این رابطه موجودند. مجموعه‌ی کوچکی از مطالب موجود در بخش منابع آمده است.

کودکان حق دارند، از تاریخ معاصر جهان و تاثیرهای غیرمستقیم آن بر شرایط حال چیزی بدانند. رسانه‌ای مانند کتاب تصویری به دلیل شکل روایتی ویژه‌ی زیبایی‌شناسانه‌اش دارای چنان ظرفیتی است که واژگان، متن‌ها، تصویرها، پرسش‌ها، بیم‌ها، اندیشه‌ها، شجاعت و عزم، و در یک کلام طیف کاملی از احساسات را به کودکان نشان دهد. البته این موضوع باری گران بر دوش رسانه و کودکان نیست بلکه نشان‌دهنده‌ی زحمت دائمی نویسندگان و تصویرگران است.

برخی منابع‌های پیشنهادی

موضوع: فلسفه و روش درس دادن ادبیات آلمان به کودکان



باردولا، نیکولا و دیگران
با کتاب‌های تصویری بهتر می‌توان بزرگ شد
اشتوتگارت ۲۰۰۹

لینر، مارتین / زائوپه، آنیا
حکایت‌ها در ادبیات، رسانه‌ها و اثر آموزشی آن‌ها
بالتمانزوایلر ۲۰۰۶

لینر، مارتین / زائوپه، آنیا
فهمیدن متن‌ها در درس ادبیات و تکلیف‌های درسی
بالتمانزوایلر ۲۰۰۸

لینر، مارتین / زائوپه، آنیا / ریشر، ماتیاس
روش درس دادن ادبیات
برلین ۲۰۱۰

پیرمان، هانس-برنارد
آیا شاه ماهی هم غرق می‌شود؟ فلسفیدن با کتاب‌های تصویری
واینهایم / بازل ۲۰۰۴

اشپینر، کاسپاره.
روش‌های درس دادن ادبیات
در: میساییل کیمپر- فان دن بوگارت و کاسپاره ه. اشپینر (ناشران): آموزش روخوانی
و ادبیات، بخش ۲؛ در: وینفرید اولریش (ناشر): آموزش زبان آلمانی در تئوری و
عمل، بالتمانزوایلر ۲۰۱۰؛ ص ۱۹۰-۲۴۲

ترزانی، تیتسیانو
پایان، آغازی برای من است. یک پدر، یک پسر و سفر بزرگ زندگی
مونخ ۲۰۰۷

تیله، ینس
کتاب تصویری. زیبایی‌شناسی، تئوری، تجزیه و تحلیل، روش درس دادن، نظریه
دریافت
الدنبورگ ۲۰۰۰